

**در نخستین بخش از مطلب حاضر پیرامون فلسفه خلقت انسان به عنوان خلیفه خداوند و ویژگی دو بعدی او به عنوان اشرف مخلوقات و یا پست تر از حیوانات سخن گفته شد. اینک ادامه مطلب را بی می گیریم.**

همه ما می دانیم که این دنیا جای کار است. ایوم عمل ولحساب و غدا حساب و لاعمل( نهج البلاغه خطبه۴۲) اینجا کشت است و آنجا برداشت است. اما خدا از لطفش برای بندگانی که در راهش قدم برمی‌دارند در همین دنیا یک چیزهایی می‌دهد که لا عین رأْت و لا آن سمعت و لا خطر علی قلب بشر؛ خدا در همین دنیا، در همین فضای آلوده و کثیف، به برخی از بندگانش چیزهایی می‌دهد که نه چشمی دیده، نه گوشایی شنیده و نه بر قلب هیچ انسانی خطور کرده است. برای اینکه مقداری باور کنیم که اینها عملی و قابل اجرائست و برای من و شما هم اگر بخوایم و همت کنیم، وجود دارد مثالی عرض می‌کنم.

**لذت نماز**

با یکی از دوستان که همدرس بودیم، به درس

بسر میوه را خالی می‌کردند، یکی چیزی روی آن می‌گذاشتند و به آنها می‌دادند که به آن سرباری می‌گفتند. مژده‌هایی که خدا در دنیا می‌دهد سرباری است. مژد اصلی نیست. سرباری چیزی است که اگر سلاطین می‌دانستند، همه لذت‌ها را رها می‌کردند و دنبال همین سرباری می‌آمدند: **وَأَتَيْنَاهُ آخِرَهُ** فی سلاطین می‌دانستند، همه لذت‌ها را رها می‌کردند و دنبال همین سرباری می‌آمدند: **وَأَتَيْنَاهُ آخِرَهُ** فی سلاطین می‌دانستند، اما در همینجا هم چیزی به او دادیم تا دلش خوش باشد. ما را برای این چیزها آفریده‌اند. راهش هم بندگی است.

**تسلیم و رضا در برابر خدا**

خدا به حضرت ابراهیم در سنن قریب به صد سالگی، یک جوانی داده بود که در آن زمان نمونه بود. از زیبایی، از کمال، خیلی دوست داشتنی بود. خدا به ابراهیم فرمود باید سسر این پسرتر را ببری. پیرمرد صدساله‌ای که تا به حال بچه‌دار شده و خدا چنین جوان رعنائی به او داده است، یک کلمه در دل و دهنش نگذشت که مخالفت کند. به پسرش گفت: **إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ آتِي أَذْنُحْكَ**،(صافات/ ۱۰۲) در خواب دیدم که سسر تو را می‌برم. یعنی

**تسلیم و رضا در برابر خداوند ؛ اوج بندگی**

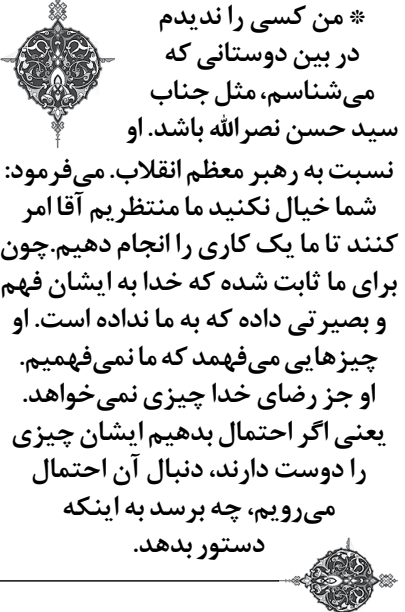


تسلیم و رضا در برابر خدا

**تسلیم و رضا در برابر خداوند ؛ اوج بندگی**

# لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمایی

**آیت‌الله مصباح یزدی**



**مردم** مرحوم آیت‌الله بهجت (رض) می‌فرتیم. آن زمان شهر قم، انتهایش خیابانی بود که به پل صفائیه می‌خورد. این‌جایی که الان دفترز رهبر معظم انقلاب است، آخر شهر بود. بعد از آن باغات بود؛ شاید قریب به پنجاه سال قبل. مرحوم آقای بهجت آن زمان وقتی از درس خراج می‌شدند، نزدیک غروب به سمت این باغات و زمین‌های کشاورزی راه می‌افتادند. نماز مغرب و عشاءشان را در همین زمین‌ها می‌خواندند. یعنی در محل فعلی پل صفائیه. آن رفیق ما که الان هم در قید حیات است و در همین تهران زندگی می‌کند، می‌گفت یک شب آقای بهجت بعد از نماز فرمودند اگر سلاطین عالم می‌دانستند در نماز چه لذتی هستند، همه سلطنت‌های خود را رها می‌کردند و نماز را یاد می‌گرفتند؛ حیف که نمی‌دانند چه لذتی دارد.

آقای بهجت آدمی نبود که همین‌طوری حرفی را بی حساب و به مبالغه بگوید. خیلی حساب شده حرف می‌زد. می‌گفت سلاطین عالم که این همه وسائل عیش و نوش برایشان فراهم است، اگر می‌دانستند این دو رکعت نماز چه لذتی دارد، از همه آنها چشم می‌پوشیدند و دنبال نماز می‌فتند. چون بالاخره آنها دنبال لذت بودند. آنقدر نماز لذت دارد که آن لذت‌ها در مقابلش رنگ می‌بازد.

این همین جا در همین نیاست، با اینکه اینجا محل جزا نیست و بنا نبوده اینجا پادشاه بدهند، اما از روی لطف انعامی می‌دهد. گاهی به کارگرانی که کار می‌کنند یک انعامی می‌دهند. وقتی کارگرها

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

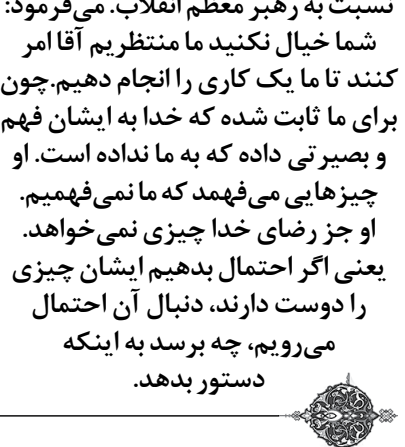
آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی

مردم مرحوم آیت‌الله بهجت (رض) می‌فرتیم. آن زمان شهر قم، انتهایش خیابانی بود که به پل صفائیه می‌خورد. این‌جایی که الان دفترز رهبر معظم انقلاب است، آخر شهر بود. بعد از آن باغات بود؛ شاید قریب به پنجاه سال قبل. مرحوم آقای بهجت آن زمان وقتی از درس خراج می‌شدند، نزدیک غروب به سمت این باغات و زمین‌های کشاورزی راه می‌افتادند. نماز مغرب و عشاءشان را در همین زمین‌ها می‌خواندند. یعنی در محل فعلی پل صفائیه. آن رفیق ما که الان هم در قید حیات است و در همین تهران زندگی می‌کند، می‌گفت یک شب آقای بهجت بعد از نماز فرمودند اگر سلاطین عالم می‌دانستند در نماز چه لذتی هستند، همه سلطنت‌های خود را رها می‌کردند و نماز را یاد می‌گرفتند؛ حیف که نمی‌دانند چه لذتی دارد.

آقای بهجت آدمی نبود که همین‌طوری حرفی را بی حساب و به مبالغه بگوید. خیلی حساب شده حرف می‌زد. می‌گفت سلاطین عالم که این همه وسائل عیش و نوش برایشان فراهم است، اگر می‌دانستند این دو رکعت نماز چه لذتی دارد، از همه آنها چشم می‌پوشیدند و دنبال نماز می‌فتند. چون بالاخره آنها دنبال لذت بودند. آنقدر نماز لذت دارد که آن لذت‌ها در مقابلش رنگ می‌بازد.

این همین جا در همین نیاست، با اینکه اینجا محل جزا نیست و بنا نبوده اینجا پادشاه بدهند، اما از روی لطف انعامی می‌دهد. گاهی به کارگرانی که کار می‌کنند یک انعامی می‌دهند. وقتی کارگرها



من وظیفه‌ای دارم که سر تو را ببرم. خواب انبیا یک نوع شی است. شب این جوان پانزده- شانزده ساله طبیعتا باید وحشت کند. تو که پدر من هستی سر من را ببری؟ اما به دهنش چنین چیزی نگذشت. وقتی حضرت ابراهیم گفت: چنین خواب دیده‌ام، گفت: **يَا أَيُّهَا أَفْعَلُ مَا تُؤْمَرُ**؛ دستورو خداست عمل کن! نگران نباش که من دست و پا بزوم و در حین جان دادن من ناراحت بشوی؛ من تسلیم هستم و هرکاری دستور خداست انجام بده. این جوان گفت ان شاه‌الله هیچ عکس العملی انجام نمی‌دهم. خواهی

خود نمی‌پسندی برای دیگران مسئند و آنگه برای خود می‌خواهی برای دیگران هم بخواه، در این صورت در قضاوت خویش داور و در دادگری‌ات یکسان نگر خواهی بود و اهل آسمان تو را دوست خواهند داشت و درسینه‌های زمین به محبت جای خواهی گرفت. این سفارش مرا به خواست خدا، به خاطر بسپار و بر آن محافظت نما. (تحف‌العقول ص ۷، ۱۱۳ بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۸۶)
خاندان نیز همین قاعده طلایی را این‌گونه بیان می‌کند و می‌فرماید: ولیغوا و لیضعوا الا تحبون ان یغفرالله لکم و الله غفور رحیم؛ باید غفوت کنید و لغزش‌های دیگران را نادیده بگیرید. آیا دوست نمی‌دارید خاندان شما را ببخشید؟ و خاندان آمرزنده و مهربان است. (سوره نوره، آیه ۲۲)

از جمله راه‌های نیک تعامل اکرامی و احسانی با مردم، می‌توان به این موارد اشاره کرد:
**۱. ابتداء به سلام:** پیامبر(ص) می‌فرماید: ان اولی الناس باله و برسوله من بنا بالسلام؛ نزدیک‌ترین مردم به خدا و رسول او کسی است که آغازگر سلام باشد. (بحرالانوار، ج ۷۶، ص ۱۲، ح ۵۰)

**۲. خیرخواهی:** انسان باید خیرخواه مردم باشد و نועدوستی را در دستور کار خود قرار دهد؛ به این معنا که فراتر از مسلمان‌دوستی باید خیرخواه انسانها بشایی. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: موثرترین وسیله جلب رحمت خدا این است که خیرخواه همه مردم باشی. (غر الحکم، ج ۳۵۲)

پیامبر(ص) می‌فرماید: بلندمرتبه‌ترین مردم نزد خداوند در روز قیامت کسی است که در روی زمین بیشتر در خیرخواهی و ارشاد مردم قدم بردارد. (کافی، ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۵)

**۳. خدمت‌رسانی و بر آورد نیازهای مردم:** امام علی(ع) می‌فرماید: هر کس نعمت‌های خدا بر او زیاد شود، نیازهای مردم به او زیاد می‌شود، حال اگر به آنچه خداوند در این باره بر او واجب کرده عمل کند، زمینه دوام آن نعمت‌ها را فراهم کرده و اگر ننگند آنها را در معرض نابودی قرار داده است. (غرالحکم، ج ۸۷۲)

**۴. عفو و گذشت از مردم:** در آیات قرآن بر عفو و گذشت به عنوان یک عمل احسانی تاکید شده است. (بقره، آیه ۱۰۹-نساء آیه ۱۴۹)
خاندانی می‌فرماید: خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین؛ گذشت پیشه کن و به کار بسندیده فرمان ده و از نادانان روی برگردان (اعراف، آیه ۱۹۹)
خاندان از مسلمانان خواست تا از اختلاف‌گریزی دست بکشند و عفو کنند